

# گذری بر عرایض اعانات

## (اعانات نتیجه بدفهمی از نهاد قانونگذار)

سیاوش شوهانی

تغییر حوزه نگرش - و ضرورت آن - از تاریخ‌نگاری سنتی با روایت غالب آن یعنی تاریخ سیاسی به حوزه‌های دیگر همچون تاریخ اجتماعی، تکاپوی ویژه‌ای را در بازخوانی منابع می‌طلبد. بی‌تردید عرایض جزء بکرترین منابع تاریخی سده‌ی اخیر است که در آن موضوعات اجتماعی بدیع و متنوعی قابل رصد می‌باشد. یکی از موضوعات اجتماعی، مناسبات قشر بینوایان (فقراء) است که گرچه تا کنون در حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی در ذیل مسئله فقر با نگاهی آسیب‌شناسانه و به عنوان معضل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته اما مورخان کمترین لطفی به روابط و مناسبات آنها - حتی به روابط آنها با نهاد حکومت - در طول تاریخ نشان نداده‌اند، پژوهش حاضر کمترین کوشش برای اثبات این فرض است که زندگی روزمره مردمان عادی نیز بخشی از تاریخ است و اهمیت تلاش بینوایان برای امرار معاش و نقش آنها در تجربه زیست شده بشر کمتر از روایت آمد و شد سلسله‌ها نبوده و نیست.

در میان انبوه عرایضی که در عصر پهلوی اول (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ه. ش) از طرف مردم به مجلس شورای ملی فرستاده شده است، موارد گوناگونی چون: تقاضای کار، تقاضای معافیت از خدمت، تقاضای صدور مجوز کسب، شکایت از مودیان مالیاتی، پیگیری پرونده قتل، رسیدگی به دعاوی حقوقی و ملکی و حتی دعاوی خانوادگی وجود دارد. علت بیان انواع عرایض - که به همین تعداد نیز محدود نمی‌شود - در پژوهش حاضر تاکید بر این نکته است که برای فهم پرونده اعانات باید آن را در عرض عرایض دیگر مورد سنجش قرار داد و از ماهیت آن پرسش کرد به بیانی دیگر پرسش از این نوع عرایض به عنوان امری مجرد

به نظر کوششی بی نتیجه خواهد بود. در واقع آنچه در پژوهش حاضر اهمیت دارد این مسئله است که مردم با چه تصویری از مجلس این عرایض را مطرح می کردند؟

در برابر عرایض رسیده، مجلس هر عریضه را از طریق وزارت خانه ها و ادارات مربوطه همچون وزارت جنگ، عدلیه، مالیه، داخله و ... پیگیری می کرد و در این میان مجلس به شکل تصنعی به صورت واسطه عمل می کرد و نقش یک دبیرخانه بزرگ را برای کل دیوانسالاری کشور و شبکه عظیم سازمانهای دولتی در برابر مردم ایفا می کرد.

به عنوان نمونه اگر شخصی تقاضای معافیت از خدمت داشت به جای آنکه به سازمان مربوطه - یعنی وزارت جنگ - مراجعه کند تقاضای خود را به مجلس می فرستاد. مجلس نیز او را به طور مستقیم به نهاد مربوطه ارجاع نمی داد بلکه نامه ای مبنی بر درخواست شخص به همراه سواد (کپی) نامه وی به وزارت خانه مربوطه می فرستاد و همزمان نیز به خود متقاضی یا شاکی نامه ای مبنی بر پیگیری تقاضای وی ارسال می داشت. سپس آن وزارت خانه پس از پیگیری پرونده پاسخ را به مجلس می فرستاد و مجلس نیز جوابی به همراه سواد (کپی) پاسخ آن وزارت خانه برای شخص ارسال می داشت. می توان تصور کرد تعداد نامه های واسطه در این بین چه حجمی را اشغال کرده است، این رقم وقتی به درستی درک می شود که از تعداد نامه های متعددی که تنها یک شخص - برای پیگیری عریضه اش و یا برای بیان توضیحات بیشتر - در برابر پاسخ های مجلس ارسال می داشت و روندی که مجلس برای هر نامه ای جدید طی می کرد، آگاهی بیابیم. در هر پرونده تعداد انبوهی از عرایضی است که مردم می توانستند با مراجعه مستقیم به اداره یا سازمان مربوطه این واسطه بزرگ را حذف کنند. در کنار انواع مختلفی از عرایض یاد شده اعانات صرف نظر از حجم آنها از نظر ماهیت جلوه ای خاص در میان دیگر عرایض دارد. با این مقدمه میتوان این مسئله را مطرح کرد که :

کار - ویژه (Function) مجلس - به عنوان نهاد قانونگذار - در عصر پهلوی اول چه بود؟

سئوالات پژوهش برای کشف زوایای این مسئله عبارت است از:

۱. تصور مردم - یعنی آن عده که برای ما قابل رصد است به طور مشخص عده ای که عرایضی مبنی بر درخواست اعانه به مجلس فرستاده اند - نسبت به مجلس به عنوان نهاد قانونگذار چه بود؟
  ۲. تصور خود مجلس - به طور مشخص نهادی به این نام که در هر عصری شخصیتی ویژه از خود به جای می گذارد و نه اجتماع نمایندگان - از کارویژه های خود چه بوده است؟
  ۳. واکنش مجلس در برابر این گونه عرایض و نتایج بر آمده از آن چه بود؟
- در برابر سه پرسش یادشده فرضیات زیر در نظر گرفته شد:
۱. تصور مردم نسبت به نهاد قانونگذار (قوه مقننه) به عنوان جزئی از پیکره حکومت در معنای قدیم آن است و هیچ تمایزی بین این نهاد با نهاد اجرائیه در نظر مردم به وجود نیامده است.
  ۲. مجلس در راستای وظیفه نظارتی خود بر وزارت خانه ها و نهاد های دولتی عرایض را پیگیری و نتیجه را برای متقاضی یا شاکی ارسال می داشت اما به دنبال فرض نخست پیگیری مستقیم عرایض در

نزد و تصور مردم به جزئی از وظایف این نهاد تبدیل شده بود و این روند ساحت نهاد قانونگذار را به یک دبیرخانه تقلیل می داد.

۳. واکنش مجلس در برآیند تصور خود از نهاد قانونگذار در عمل رسیدگی به عرایضی است که با زندگی روزمره مردم ارتباط دارد و اعانه به فقراء نیز یکی از آنها و در ردیف آنهاست.

\*\*\*

اعانه در فرهنگ دهخدا به معانی: اعانت، مساعدت، عون، معونه، یاری کردن و پولی که برای کار خیری داده شود، آمده است و وجه اعانه به معنای وجه نقدی که برای کمک و مدد خرج به کسی دهند بیان شده است. اصطلاح اعانه در بایگانی اسناد مجلس به معنای درخواست مساعدت مالی از سوی بینویان و فقراء به مجلس شورای ملی بود که در میان اکثر کارتن ها با موضوعات مختلف به طور پراکنده بایگانی شده است، اما از دوره ای - بویژه از دوره یازدهم مجلس - فایلهایی مشخصاً به موضوع اعانه اختصاص یافته است، این مسئله حاکی از آن است که این نوع عرایض اهمیت ویژه یافته و یا به عللی حجم آنها افزایش یافته است، می توان اینگونه نتیجه گرفت که تصور مردم از مجلس به عنوان جایی که می توانند از آنجا مبلغی به عنوان اعانه مساعدت بگیرند پر رنگ تر شده و توقع آنها از چنین کارکرد مجلس افزایش یافته است. (صرف نظر از رابطه نا به سامانی وضع اقتصادی و گسترش فقر که در نتیجه تعداد عرایض مربوط به اعانه را افزایش می داد، این روند گر چه مسئله حائز اهمیتی است اما در متغیرهای پژوهش حاضر نمی گنجد)

در پژوهش حاضر از میان تعداد زیادی اسناد مربوط به اعانات تعدادی از دوره یازدهم مجلس (شهریور ۱۳۱۶ تا شهریور ۱۳۱۸) یعنی سالهای پایانی عصر پهلوی اول - که با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین در شهریور ۱۳۳۰ به پایان رسید - انتخاب شده است (دوره ۱۱ / کارتن ۱۳ / جزوه دان ۴۶). بررسی پرونده اعانات مربوط به سالهای پهلوی دوم متقارن با مجلس سیزدهم به بعد گر چه بی شباهت به ماقبل آن نیست اما مؤلفه ی دیگری در پریشانی مردم - یعنی جنگ جهانی دوم - دخیل می شود که از اهمیت آن نمی توان صرف نظر کرد. بنابر این بررسی اعانات مربوط به مجلس سیزدهم به بعد را نمی توان با مجالس قبل از آن قابل قیاس دانست.

با بررسی اجمالی اعانات مشاهده می شود که تقاضای آنها بسیار به هم شبیه است و گویی از یک زبان بیان شده، برای نمونه یکی از این عرایض در اینجا آورده می شود:

سند شماره ۱

۱۳۱۸/۲/۸

## ریاست محترم مجلس دارالشورای ملی دام بقائه

محترماً معروض میدارد این کمیته هاجر شهرت خلیفه با چند تا اطفال خردسال در مضیقه امرار معاش بوده بطور سختی زندگانی مینمایم، نظر به اینکه بیوه زن بوده و از هیچ محل درآمدی ندارم لهذا بوسیله این عریضه عاجزانه استدعا دارم استرحاماً بذل مساعدت فرموده امر و مقرر شود یک همراهی به عنوان اعانه به این کمیته مساعدت فرمایند که بتوانم چند روزی آسوده خاطر شده، لیلاً و نهراً [شبانہ روز] به بقای عمر و عزت دعاگو باشم؛ مستدعی است بذل توجه خواهد شد، با احترامات فائقه، امر امر مبارک است.

شماره بازیابی: (۱۱/۱۳/۴۶/۶/۶۰)

همگی آنها به خاطر پیری، از کار افتادگی، گاهی ورشکستگی مالی و گاهی ترک شدن توسط شوهر خود با چند فرزند دچار عسرت و پریشانی شده اند، زمستان در راه است و برای سوخت خود زغال ندارند، آذوقه آنها ناکافی است، اسباب منزل را فروخته اند و اگر کمکی به آنها نرسد از گرسنگی تلف خواهند شد و به صورت فراگیر این نکته ذکر شده که تا حدی دچار عسرت شده اند که حتی پول تمبر و پاکت برای فرستادن عریضه به مجلس را نیز قرض کرده اند.

در مواردی نامه ها دارای استشهادنامه محلی مبنی بر گفتار صادق آنهاست، این مسئله حاکی از آن است که درخواست اعانه تا حدی رایج شده است که متقاضیان اعانه احتمال می دهند که مجلس سخن آنها را باور نکند و مجبور به جمع آوری استشهادنامه می شوند. پاسخ ندادن مجلس به تعدادی از درخواست ها دال بر این مدعاست. یک نمونه استشهاد نامه ضمیمه درخواست اعانه:

## سند شماره ۲ (الف و ب)

۱۳۱۷/۱۲/۲۱

مقام عالی رئیس مجلس شورای ملی

جسارتاً خواطر مبارک را بشرح ذیل معطوف میدارد در اثر نامساعدت روزگار سرمایه بنده به کلی منهدم گردیده فعلاً با ۱۱ تن عائله برای مخارج یومیه در مضیقه میباشم و همچنین چیزی نداریم [به معرض] فروش رسانده یک روز امرار معاش بنمائیم و در حدود کلاس ۴ ابتدائی دارای سواد میباشم لذا با کمال امیدواری از آنمقام [آن مقام] معظم استدعای عاجزانه مینمائیم [می نمایم] امر و مقرر فرمائید در یک محل شغلی برای بنده ارجاع فرمایند تا اینکه از توجهات آنمقام [آن مقام] عالی از ورطه بدبختی با ۱۱ تن عائله خلاصی شویم در صورت عدم محل شغل یک راه مدد مخارجی بواسطه عائله بنده معین فرمائید —  
امر امر مبارک است

(مناف ابروی فرزند علی دارای شناسنامه شماره ۱۲۳ صادره شبستر اهل شبستر)

۱۳۱۷/۱۲/۲۱

رونوشت استشهاد نامه

استشعار و استعلام میدارد از اهالی قری یان [ناخوانا] قریهء بنی من [از] محال [توابع] ارونق بر اینکه علم و اطلاع کامل دارند که عبدالمناف ولد ... [ناخوانا] آقا علی بنی از اهل قریه مزبور است هشت نفر اهل و عیال دارد از قبیل ذکور و اناث و ده تومان هم در قریه مزبور دارائیت [دارایی] ندارد بلکه الی [بیش از] یکصد تومان قرض دارد هر کس قضیه را بقرار مزبور فوق میداند دو کلمه شهادت خود را در ذیل مرقوم و مهمور نماید —

بتاریخ ۲۲ شهر رجب ۱۳۴۹ قمری

[۱] مهر و خط آقای میرزا عبدالله بنی تصدیق میشود

محل مهر حکومت ارونق و انزاب

[۲] اشخاص ذیل معروف [شناخته شده] این جانب میباشند

دارای ورق هویت ۱۷۱۵ محل مهر عبدالله

[۳] اشخاص ذیل معرف و ملتزمین قریه بنی هستند

مستاجر قریه بنی میرزا بابا زمانی دارای ورقه هویت ۵۱۱

[۴] مضمون ورقه شهادت دارم

دارای ورقه هویت ۵۳۹ عباس ولد حاجی اله وردی مرحوم

[۵] مضمون فوق شهادت دارم دارای ورقه هویت ۵۵۹

کربلایی قاسم بابا ولد یوسف مرحوم

[۶] مضمون ورقه شهادت دارم

دارای ورقه هویت ۱۰۴ مهدی حنیفه حسن زاده

[۷] حاجی عبدالعلی علی پناه

[۸] مهدی قربان فتحعلی

[۹] مهدی عبدالله امیر اصلان زاده دارای هویت ۱۷۳۱

[۱۰] مضمون فوق شهادت دارم ورقه هویت ۸۶۶ حاجی آقا معماری

شماره بازیابی: (۱۱/۱۳/۴۶/۶/۳۵ و ۳۶)

در مواردی نیز به جای استشهاد نامه در انتهای تقاضای شخص، دست خطی از یک شخص متنفذ محلی همچون یک روحانی یا نماینده مجلس در تأیید گفته های متقاضی دیده می شود. مهری که در ذیل سند زیر به نام محمد حسن منقوش است در تعداد قابل توجهی از اسناد اعانه مشاهده می شود که نشان از نفوذ وی در مجلس و اعتبار او در نزد فقرا دارد.

### سند شماره ۳

۱۳۱۷/۷/۱۷

ریاست محترم مجلس دارالشورای ملی

این کمیته ملوک (خضر یوسفی نیا) دارای شناسنامه ۳۸۹۳۶ صادره بخش ۲ بی بضاعت میباشم امر فرموده رسیدگی به این کمیته شود در سر سیاه زمستان بدعا گوئی آنوجود [آن وجود] محترم مشغول باشم.

امر امر مبارک است

[اثر انگشت] ملوک

[حاشیه]

بسمه تعالی

شرح حالیکه مخدره [زن باحیاء] معروض داشته صحیح است، بی بضاعت و فقیر است.

لله محمد حسن طالقانی

[سجع مهر]: «افوض امری الی الله [کار خود را به خدا واگذار می کنم] محمد حسن»

[توشیح مجلس]: [تصدیق کننده فوق آقای حاجی شیخ محمد حسن مجتهد طالقانی میباشند.

[مبلغ اختصاص یافته]: ۳۰ ریال

شماره بازبایی: (۱۷/۱۱۳/۴۶/۱۱)

این تائیدیه حتی ممکن بود از شخصی چون دکتر قاسم غنی باشد که در ذیل یکی از تقاضاها به دست خط خود آن را توشیح نموده است. که به شماره بازبایی (۱۱/۱۱۳/۴۶/۱۴/۴۴) قابل دسترسی است (به علت کثرت اسناد از چاپ آن خودداری شد) گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رئیس جامع علوم انسانی  
در موردی نادر عکسی از یک متقاضی اعانه ضمیمه نامه وی است که وضع ظاهری او جایگزین تائیدیه و استشهاد نامه شده است:

### سند شماره ۴

۱۳۱۷/۱۱/۲۵

مقام عالی رئیس مجلس شورای ملی

جسارتاً خواطر مبارک را بشرح ذیل معطوف میدارد این بنده اسمعیل خوش باطن فرزند سلمان دارای شناسنامه شماره ۲۰۴ متولد ۱۲۶۸ فرستنده از دفتر مشکین شهر، اهل و ساکن قریه ارجق نظر به اینکه تقریباً مدت سی و هشت سال قبل در موقع مسافرت [به] مشهد از راه روسیه در روسیه هر دو پای بنده با دست راست زیر ترن رفته در خاتمه هر سه تا را قطع کردند چون نسبت به خود دارائی زیادی داشتم از

آنوقت [آن وقت] تا کنون با دارائی خود تامین معاش نموده و تمامی املاک و اثاثیه منزل را به معرض فروش رسانیده فعلاً با پنج تن عائله سرگردان میباشم اقلّ چیزی نداریم نصف روزی تامین معاش بنمائیم بالاخره تحت اثر بیچارگی با هزار زحمات عیدیه خود را به طهران رسانیده اینک با کمال امیدواری باستانه [به آستانه] آنمقام معظم متوسل و پناهنده میباشم، محض به شرافت نوع پروری خود مدد مخارجی برای عائله بنده معین و مقرر فرمائید که از بیچارگی معدوم نشوند.

امر امر مبارک است

اسمعیل خوش باطن

[مهر: الراجی اسماعیل ۱۳۰۶]

نشانی خیابان سپه مقابل پست مرکزی کافه موسی

[عکس ضمیمه نامه]

شماره بازیابی: (۱۱/۱۳/۴۶/۶/۳)



### واکنش مجلس:

مجلس - بنا به فرضیات مقاله حاضر - خود را موظف می داند که به هر نوع عریضه ای رسیدگی کند ولو اینکه مقام و جایگاه نهاد قانونگذار را در حد یک دبیرخانه تقلیل دهد در این راستاست که کمیسیون عرایض تشکیل می شود، که وظیفه خود را ارجاع و پیگیری عرایض مردم در ادارات و سازمانهای دولتی می داند، با چنین فهمی که مجلس از کار ویژه خود دارد، چگونه ممکن است عریضه ای را که تقاضای وجه ناچیزی مساعدت کرده است را رد کند بنابر این همگی این عرایض تحت عنوان اعانه بایگانی شده و پس از گذشت مدتی - معمولاً یک ماه و حد اکثر سه ماه - همگی از طرف رئیس مجلس، رسیدگی و دستور پرداخت وجوهات از صندوق اعانه به همراه مبالغ هر یک به کارپردازی مجلس صادر می شد - تاسیس صندوق اعانه خود دلیلی دیگر بر اهمیت یافتن این نوع عرایض در این عصر می باشد - مبلغ اختصاص یافته به هر متقاضی روی عریضه ارسالی مربوط به او نیز قید شده است (نک. سند شماره ۳ که در انتهای سند درج شده است ۳۰ ریال). کارپردازی نیز برای هر متقاضی وجه را به آدرس شخص حواله می کرد.

نمونه‌ای از نامه رئیس مجلس به کارپردازی مجلس مبنی بر دستور پرداخت وجوهای اعانه به فقراء:

## سند شماره ۵

[نشان تاج و شیر و خورشید]

نمره ثبت ۵۴۶۵ دوسیه ۱۱

تاریخ ثبت ۱۳۱۸/۲/۱۱

تاریخ ارسال ۱۳۱۸/۲/۱۱

### کارپردازی مجلس

مبلغ هفتصد و شصت ریال از محل صندوق اعانه در وجه بی‌نوایان که در زیر نامبرده میشود پرداخت و در محاسبه .... [اسامی ۴۰ نفر به همراه مبالغ مقرر شده به هر یک به دو خط عدد و سیاق] مزبور منظور دارید. رئیس مجلس شورای ملی [امضاء: ناخوانا]  
شماره بازبایی: (۱۱/۱۳/۴۶/۶/۶۴)

غرض از بیان روند فرجام یک عریضه در سطور بالا ذکر نکته ای مهم در تلقی مردم از وظایف حکومت - در معنای قدیم آن و به معنای دقیق، بدنه ی یکپارچه ای که حکومت خوانده می شود - است: این نکته به فاصله ی زمانی فرستادن عریضه از طرف متقاضیان و صدور حواله وجه از طرف مجلس باز می گردد، به عنوان نمونه در کارتن ۱۳ / جزوه دان ۴۶ / پرونده شماره ۶ از تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۷ تا تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ تعداد ۴۲ تقاضای اعانه بایگانی شده است، و نامه رئیس مجلس در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۸ مبنی بر دستور مساعدت با تقاضای آنها به کارپردازی صادر شده (سند شماره ۵)، کارپردازی نیز بدون وقفه حوالجات را ارسال نموده است، در این روند به شخصی که در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۱۷ (سند شماره ۴) تقاضای مساعدت کرده و آزمایشکلات سرمای زمستان گلایه دارد با شخص دیگری که در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ (سند شماره ۱) تقاضایی فرستاده همزمان پاسخ داده شده است، این نکته خود در بازتولید مفهوم انتظارات اشخاص از وظایف حکومت تاثیر گذار است. (گرچه مفهوم کارکرد رفاه عمومی از دولت در غرب در این زمان شناخته شده است اما به همان اندازه که مفهوم دولت در معنای جدید آن به معنای government و در تمایز stateley برای ما غریب بود مفهوم رفاه عمومی نیز ناشناخته است بنابراین ترجیح بر آن است از مفهوم قدیم وظایف حکومت - در برابر اختیارات آن - استفاده شود که در فهم مردم هنوز پا بر جا بود) به عبارت دیگر شخصی که دو ماه در انتظار مقدار پیشیزی پول برای خرید زغال زمستان خود است همان تلقی را از کارآمدی حکومت در انجام وظایفش نخواهد داشت که شخص دیگری هنوز هفته ای از درخواست وی نگذشته مساعده دریافت می کند. این مسئله وقتی اهمیت خود را به ما نشان می دهد که از حجم انبوه اعانات و به تبع نقشی که واکنش مجلس در برابر آنها دارد آگاهی بیابیم، تنها در کارتن برگزیده شده در این پژوهش (دوره یازدهم / کارتن ۱۳ / جزوه دان ۴۶) از تاریخ ۱۳۱۷/۱/۶ تا



۱۳۱۸/۶/۲۵ (در طی ۱۸ ماه) تعداد ۱۴ پوشه، ۴۲۳ نامه و ۸۱۴ ورق سند بایگانی شده است که حجم بسیار قابل توجهی است. این مهم مستلزم بررسی آماری اسناد مربوط به اعانات خواهد بود که کاری یکپارچه با مطالعه موردی را می طلبد و به تبع در پژوهش حاضر نخواهد گنجید اما فایل‌های مجزا و نسبتاً قابل توجه در کنار عرایض دیگر حاکی از اهمیت واکنش مجلس در تلقی و فهم مردم در بازتولید مفهوم وظایف حکومت است. همچنین تقسیم بندی انواع اعانات نیز اهمیت ویژه در فهم دیگر مسائل اجتماعی دارد، به طور قطع عریضه‌ی تاجری که در اثر ورشکستگی مالی دچار عسرت شده و مجبور به درخواست اعانه از مجلس می شود با دامداری که در اثر یکجانشین کردن اجباری ایلات کوچرو توسط دولت دچار چنین وضعی شده و چنین درخواستی دارد متفاوت خواهد بود، در واقع توقع افراد، فهم آنها از مجلس و جنس مطالبات متقاضیان و مسائلی دیگر متفاوت است که این مسئله نیز باید به دنبال مطالعه فراگیر موردی اعانات بررسی شود که امید است این مهم در آینده ی نزدیک صورت پذیرد.

### نتیجه:

بررسی اجمالی اسناد اعانات نشان داد که با وجود گذشت یک ثلث قرن از عمر مجلس و تاسیس نهاد قانونگذاری یعنی از تولد مجلس اول (۱۲۸۵ هـ.ش) تا زمان مورد نظر پژوهش حاضر (۱۳۱۸ - ۱۳۱۶ هـ.ش) مردم درک درستی از دلیل و ماهیت پیدایش آن ندارند، تفکیک قوا در دولت با وجود گذشت دو قرن از این مسئله در غرب و با گذشت دو دهه از تشکیل دولت مدرن در ایران در فهم عمومی جامعه بوجود نیامده است، مجلس در نظر مردم به عنوان بخشی از کل قدرت مرجعیت دارد و می تواند هر کاری انجام دهد؛ اگر تقاضای معافیت از خدمت یک شخص را از طریق وزارت جنگ پیگیری و حامل پیام مساعدت با آن باشد در نظر مردم نه به عنوان واسطه - دبیرخانه - که به طور مستقل این کار را انجام داده و اگر آن وزارت خانه با تقاضای معافیت مخالفت کند این مجلس است که نخواست به تقاضای مساعدت شود در کنار همه عرایض، مجلس می تواند و باید به معنای وظایف حکومت - در معنای قدیم آن - به فقرا نیز کمک کند. تشکیل کمیسیون عرایض مهمترین شاهد بر این مدعاست که خود مجلس نیز در نتیجه بدفهمی مردم از ماهیت و کارکرد این نهاد اقدام به پاسخگویی به همه عرایض رسیده از جمله اعانات می کند. اما نتیجه مهم دیگری که می توان دریافت آن است که مجلس در ماهیت پیدایش نه به عنوان نهاد قانونگذار و در صدر آن که در ذیل عدالتخانه - از اهداف نخستین مشروطه خواهان - تاسیس شد و در ادامه مسیر خود نه در راه تحقق آزادی و ایجاد حکومت قانون که در جاده پر فراز و نشیب احیای عدالت از دست رفته گام بر می داشت. به بیانی دیگر **اعانات نتیجه بدفهمی از مجلس به عنوان نهاد قانون گذار است.**

در پایان باید اشاره کرد که این وضعیت تا زمان حاضر همچنان ادامه دارد با این تفاوت که کمیسیون عرایض به دفاتر نمایندگان انتقال یافته است و تقاضاهایی از این دست از جمله درخواست اعانه و تقاضای کار و هر آنچه که نشانی از تقاضا داشته باشد مطرح می شود این مسئله حاکی از آن است که پس از گذشت یک قرن از تشکیل چنین نهادی هنوز درک درستی از ماهیت و کارویژه این نهاد بوجود نیامده است.

۱۸/۲/۸۸ ۴۹

بیت محتمم جلیب دار اشودان من دام بقا

حتماً معروف می‌دارد این کینه با جبر قدرت خلفه با خنده اطفال خردسال  
 در مصیقه امرا در سفاکی بهم اطوار سختی زندگانی می‌نمایم نظریه سیکه می‌نویسد  
 بهم لا و از هیچ محرم در آمدن ندارم لهذا بوسید این تعریفه عا خردا کینه  
 دارم استرخاصاً بذل مساعدهت فرمهم امر و تقدرت کینه با این  
 اعانه با بلین کینه مساعدهت فرمائید که بتوانم خند و زنده باشم  
 کینه و نگرانی به بقای عمر و حیات دعاگو باشم مستعد است بذل توجه  
 با احترامات فائمه بنیم امرا و مبارک است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

۲۴

۱۷۴۲۱

تعام عالی رسیده مجلس نورانی

جارتاً حواظ مبارک رسیده زین معطوف میدارد در امر مساعدت روزگار  
 سینه بکعبه منهدم گوید فعله با آتین عا که بر این مجازع برسد در ضمیمه سینه  
 چیز نزاریم امه بیوض فرزند زانکه یک روز امر رسیده بنماییم و در حد و کلام  
 دارا سواد میباشند لذا باطل رسیده دارا از انعام معطم رسیده عا خزانة خانیسم  
 قاسم در یک مصلی معنی بر این سینه ارجاع نماید تا آنکه از تو جهات انعام  
 از ورطه برنجین با آتین عا که خطه رسیده در صورت هم مشرف بکد راه  
 بر اطمه عا که سینه معین قاسم رسیده - امر امر مبارکت

تیمت  
 منافع ابودر قزنده عا دارا رسیده نامه شماره ۱۲۴  
 شماره اول

پیام بهارستان / ۲۰، س ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

۱۴/۱۳/۲۱

روزگرت استهوار نامه

استغفار و استغلام  
 میدارد از اهل قریه کمان قریه بنسرخ محال اروتن برکنده علم الطبع  
 کما دارند که عبدالصاف ولد مهرنگاه بنی از اهل قریه بنزده است است نفر  
 ابرو عیال دارد از جیسیر زکدر و انانث و ده تکان هم در قریه بنزدر دارا است  
 بلکه ای کفید تکان قرض دارد هر کسی قضیه به بخوار بنزدر فوق میدارد  
 سهرت خود در زیر برقم دهمور نماید - پنج ۲۲ شهر رجب ۱۳۴۹

هر و خط هر میرزا عبداله بنی تصدیس میوه

محمد هر حکومت اروتن و انزاب

رئیس زمره سرفروغ حاج شیخ  
 دارا در آید حوت  
 ۱۷۱۵  
 محمد عبدالله

رئیس زمره سرفروغ رفته بنی قریه بنزده است  
 ستا جو قریه بنی

۳ میرزا بیابانه دارا ورقه است ۵۱۱

مغزین ورقه تهر دارم  
 دارا ورقه است ۱۴۴  
 محمد حنیفه حیززاده

مغزین ورقه تهر دارم دارا ورقه  
 ۵۵۹  
 کوکله قائم بیا ولد برف

مغزین ورقه تهر دارم  
 دارا ورقه است ۵۳۹  
 حاج عیاد ولد حاجی اله وردن

مغزین ورقه تهر دارم  
 دارا ورقه است ۵۵۵  
 محمد حنیفه حیززاده

محمد عبدالله امیر امجدان زلفی  
 دارا است ۱۳۳۱

محمد حنیفه حیززاده  
 حاج عبدالصاف حیززاده

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / شماره ۱ / بهار ۱۳۸۸

۱۷/۷/۱۷  
۱۷

روز چهارشنبه  
۱۷/۷/۱۹

دین محمد مجتهد دارالمکرمات

زیر کتبه ملک (حضرت یحییٰ بن علی) دارالمکرمات شماره ۳۸۹۳۶

صاحب کتبه ۱ به بضعه عیال کتبه ضمیمه در فرموده رسیدگی به این

کتبه کتبه در سپاه زمینی به کارگاه از جهت محرم کتبه

اراد بر سر

ع

سایه کلاه

زنده عالیگم گذره لودگی خانی در این کتبه  
به بضعه کتبه و نقوش کتبه در این کتبه



تصدیق کننده فوق آرش علی شمع کتبه کتبه طالع کتبه

ع  
۱۳۰

۱۷/۱۱/۲۵

مقام عالیجناب نور علی

پیمان

جائزاً حواطر مبارک و بسج ذمیر معطوف میدارد این بنده ایمن خورشید باطن  
 دارا سنان نامه شماره ۲۰۴ متولد ۱۲۶۸ و تکه از دفتر امام معتمد  
 اهر و ساکن قریه ارجن نظر با سینه تقریباً مدت سه دهه است مال قریه در وضع مساوت  
 از راه رویه در رویه هر چه در بنده با دولت راست زیر تیرن رفته در خانه  
 هر سه تا چهار قطع کوزه چون نبت به بنحو دارا از زاید دایم از اوقات با کون  
 با دارا بنحو تائین میسر نموده و تمام املک و امانیه متزل (میراث خرد و کوه بنام  
 فعله با پنج تن عالمه که گویان بیایم انظار چنانچه در ارم نصف روزه تائین میسر  
 بله فقه و حکمت از بیجا که با هزار زحمت عدیه خود را در امان بماند  
 امید دارم با لسانه انعام معظم مدینه و نیاهند بیایم محض تبارک نوع پروردگار  
 مدونی جز برای عالمه بنده معین و مقرر گانید که از تمام معلوم نشود

در امر مبارکت

ایمن خورشید باطن



کسر علی

شانه حیضبان به متابعت مرکزی کاذب مؤید

پیام بهارستان / ۲۵، ۱ ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

